



مدیرعامل خانه سینما مطرح کرد

کارت زرد پیرپسر کارت افتخار است

همایون اسعدیان، مدیرعامل خانه سینما با حمایت از فیلم «پیرپسر» و رویکرد وزارت فرهنگ در قبال این فیلم و برنامه‌های فرهنگی و هنری گفته، کارت زرد گرفتن وزارت ارشاد برای فیلم «پیرپسر»، کارت افتخار است و قابل احترام. او دیروز و یک‌ماه پس از انتصاب به‌عنوان مدیرعامل خانه سینما، در نشستی خبری که از نظر زمانی به روز ملی سینما (۲۱ شهریورماه) هم نزدیک است، این اظهارات را بیان کرده است. به گزارش ایسنا، همایون اسعدیان در ابتدای این نشست به تعامل و رابطه رضایت‌بخش مدیران جدید سازمان سینمایی با خانه سینما اشاره کرد و گفت: «در موارد متعددی حمایت‌های خوبی انجام گرفت و اطلاع دارم برای فیلم «پیرپسر»، که تلاش می‌شد اکرازش متوقف شود، چه کارهایی انجام دادند. از نظر من اگر وزارت ارشاد برای «پیرپسر» کارت زرد گرفته، کارت افتخار است و قابل احترام و اگر برای مجوز کنسرت همایون شجریان، کارت قرمز هم می‌گرفت، باز هم افتخار بود.» اسعدیان به نامه‌نگاری‌های خارج از کشور برای حذف ایران از آکادمی گفت: «برای حفظ سهمیه باید سعی کنیم کمیته آکادمی تشکیل نشود و حتماً یک فیلم به اسکار معرفی شود و قرار نیست به‌خاطر این اختلاف، کل ماجرا منتفی شود، باین حال تلاش می‌کنیم تا سال آینده این درگاه به خانه سینما منتقل شود.»

اسعدیان با اشاره به مشکلات پیش آمده برای مجوزهای فیلم «پیرپسر» گفت: برای فیلم «پیرپسر» به‌خاطر نگرانی‌ها، بلیت با قیمت بیشتر عرضه نشد، وگره فروش بیش از ۲۰۰ میلیارد می‌داشتیم و قطعاً پرفروش‌ترین فیلم سال می‌شد.

او در پاسخ به پرسشی درباره اظهاراتش درخصوص خروج خانه سینما از کمیته اسکار گفت: «خانه سینما در تاریخ خود، به‌جز دوران آقای ششمقدری که می‌خواستند خانه سینما را ببندند، هیچ‌گاه با سازمان سینمایی تقابلی نداشته و نسبت به اطلاعیه صادرشده برای کناره‌گیری از کمیته اسکار اصلاً پشیمان نیستیم. درواقع این اطلاعیه به‌معنای تقابل نبود.»

مدیرعامل خانه سینما در بخشی دیگر از این نشست درباره جشن خانه سینما نیز توضیح داد و گفت: «قرار بود جشن برگزار شود ولی جنگ ۱۲ روزه برنامه‌ها را به‌هم‌ریخت. در شرایط فعلی هم واژه جشن به‌نوعی توهین و بی‌احترامی به مردم است، ولی روز سینما وجود دارد و آن را برای تقدیر از سینما گرامی می‌داریم.» اسعدیان ادامه داد: «افتخار می‌کنم که بعد از آخرین روز جنگ، وزیر فرهنگ برای تقدیر از سینما، به خانه سینما آمد تا برخلاف تهمت‌ها به سینما، از فعالیت سینماگران قدردانی شود.» او با اشاره به روند داوری جشن خانه سینما افزود: «برای بررسی فیلم‌ها در حال طراحی سازوکاری هستیم تا فیلم‌های روز و فیلم‌های باقی‌مانده از گذشته ارزیابی و داوری شوند.»

او در پاسخ به سوالی درباره نوع رویکردش از جایگاه صنفی درباره وزرای قبلی و فعلی فرهنگ و ارشاد گفت: «از اظهارنظر قبلی‌ام درباره وزیر فرهنگ و ارشاد دولت قبل، پشیمان نیستم. چون هیچ فیلمی در هیچ جای دنیا باعث تزلزل حکومتی نشده و زلزله ایجاد نکرده است. هر فرد حکومتی هم که نگاه را بسته‌تر نکند، قابل احترام است.» اسعدیان درباره هنرمندان و فیلم‌های دارای مشکل هم بیان کرد: «از سه‌سال قبل کمیته‌ای تشکیل شد و دوستان پیگیری‌هایی انجام دادند. این روند الان هم ادامه دارد، منتها بنا به شرایط بیشتر در سکوت کارها انجام می‌شوند.»

مدیرعامل خانه سینما درباره وضعیت فیلم‌های زیرزمینی اظهار کرد: «دوستان در وزارت ارشاد تمایل دارند که پروانه ساخت را حذف کنند و ما در این زمینه از هر تصمیم تهیه‌کنندگان که صاحبان حقوقی آثار هستند، حمایت می‌کنیم. ما در مانه‌ای زندگی می‌کنیم که در کنترل پلتفرم‌ها هم عقب می‌افتیم و به‌زودی شاهد سریال‌های اینستاگرامی خواهیم بود. ما باید براساس قواعد جدید، قانون بنویسیم و شرایط را تغییر دهیم درحالی‌که در این سال‌ها تمام قوانین و آیین‌نامه‌ها برای کنترل هنر بوده، نه تسهیلگری.»



پیمان ابراهیم؛ از اسطوره تا ابزار

تحلیلی بر نقش روایت‌ها در شکل‌دهی به نظم جهانی

مسیحیت امکان داد تا از مرزهای قومی اولیه خود عبور کرده و به یک دین جهانی تبدیل شود، درحالی‌که یهودیت در طول قرون، اغلب به‌عنوان یک آیین قومی تلقی شده است.

۳. پیمان ابراهیم در اسلام و قرآن کریم

در قرآن کریم، ابراهیم نه‌تنها یک پیامبر، بلکه یک امت (ملت) و خلیل الله (دوست خدا) معرفی می‌شود. جایگاه او به‌عنوان الگوی دین حنیف (توحید خالص) مورد تأکید قرار می‌گیرد و از کسانی که از آیین او روی گردان می‌شوند، به‌عنوان سفیه و نادان یاد می‌شود.

پیشوایی ابراهیم و شرط آن: نقطه کلانوسی در دیدگاه اسلامی، آیه ۱۲۴ سوره بقره است که پس از آزمون‌های متعدد، خداوند ابراهیم را پیشوای مردم قرار می‌دهد. این رهبری نه یک منصب صرفاً دنیوی، بلکه یک جایگاه معنوی و جاودان است. باین‌حال، مهم‌ترین ویژگی این پیمان، شرطی است که خداوند برای رهبری بیان می‌کند: «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد». این آیه، رهبری را از هرگونه ظلم و بی‌عدالتی میرا دانسته و آن را مشروط به شایستگی اخلاقی می‌داند.

تفاوت در روایت قربانی: یکی از تفاوت‌های بنیادین در روایت‌های ابراهیمی، داستان قربانی کردن فرزند است که در میان تفاسیر متون مختلف یهودیان، مسیحیان و مسلمانان اختلاف نظرهایی درباره اسحاق یا اسماعیل وجود دارد. این تفاوت‌روایی، از نظر الهیاتی و هویتی، پیامدهای عمیقی دارد که در هر کدام از آن‌ها جایگاه ویژه‌ای از بعد کهن الگویی در ادیان و مذاهب مختلف به وجود می‌آورد.

در اسلام، پیمان ابراهیم یک قرارداد قومی-ملیتی نیست، بلکه یک پیمان اخلاقی، توحیدی و مشروط است. این دیدگاه با آیه ۱۰۵ سوره انبیاء که «زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد»، نشان می‌دهد که معیار وراثت زمین، نه‌نژاد و ملیت، بلکه صلاح و تقوای الهی است. این تفاوت مبنایی، درگیری‌های ایدئولوژیکی معاصر را روشن می‌کند: جایی که اسلام رویکرد قومی یهودیت را نقد کرده و بر جهان‌شمولی و اخلاقی بودن دین تأکید می‌کند. این امر، پایه‌ای برای نقد رویکردهای نژادی و سیاسی مبتنی بر ایدئولوژی‌های قومی فراهم می‌آورد.

▼ اسطوره‌بنیان‌گذار

پیمان ابراهیم تنها یک داستان دینی نیست، بلکه یک «اسطوره بنیان‌گذار» است که هویت یک ملت را شکل داده و به آن‌ها برای قرون متمادی، چارچوبی برای زندگی و هدف بخشیده است.

شرط و نشانه پیمان: برای تحقق این وعده الهی، شرایطی نیز در نظر گرفته شده که مهم‌ترین آن، عمل خخته است. خداوند این عمل را به‌عنوان نشانه‌ای برای عضویت در قوم خداوند معرفی می‌کند و تأکید دارد که هر مردی از نسل ابراهیم، باید مختون شود تا پیمان الهی را در پوست و گوشت خود حفظ کند. این عمل به‌تدریج از یک نشانه عبادت به یک نشانگر قوی هویت قومی تبدیل شد.

بررسی متون مربوطه نشان می‌دهد که ماهیت این پیمان، یک عهد غیرشرطی یا یک‌طرفه است، در روایتی از سفر پیدایش، خداوند تنها طرفی است که با عبور از میان حیوانات تکه‌شده، خود را به اجرای وعده‌ها متعهد می‌سازد، درحالی‌که ابراهیم به خواب فرو رفته و از انجام تعهدات معاف می‌شود. این ماهیت یک‌طرفه، بنیاد مفهوم قوم برگزیده را فراهم می‌کند: ایده‌ای که نجات و سرنوشت را نه از طریق عملکرد انسان، بلکه از طریق انتخاب و لطف مطلق الهی تبیین می‌کند. این امر، یک زنجیره علی-معلولی مهم را شکل می‌دهد: وعده سرزمین و نشانه هویتی خخته، به اندیشه نجات یهودیت براساس استقرار در سرزمین موعود منجر می‌شود. این پیوند میان روایت دینی و یک ادعای سرزمینی، در طول تاریخ به یک نیروی قدرتمند برای شکل‌دهی به هویت قومی-ملیتی یهود تبدیل شده است.

۲. پیمان ابراهیم در مسیحیت و عهد جدید

در الهیات مسیحی، پیمان ابراهیم با ظهور عیسی مسیح، بازتفسیر و به یک پیمان جدید تبدیل می‌شود. این بازتفسیر که عمدتاً توسط «پولس رسول» صورت گرفته، بر ایمان به‌عنوان شرط اصلی نجات تأکید می‌کند و شریعت موسوی را به‌عنوان یک مرحله‌مقدماتی معرفی می‌نماید. پولس استدلال می‌کند که «قبل از آمدن ایمان، زیر شریعت نگه داشته شده بودیم... پس شریعت لایالی ما شد تا ما را به مسیح برساند و از ایمان‌داران عادل شمرده شویم».

مفهوم «فرزندان روحانی»: در این رویکرد، معیار عضویت در پیمان ابراهیم دیگر نه نسب جسمانی و ختنه، بلکه ایمان به عیسی مسیح است. هر فردی که در عهد جدید پیمان می‌بندد، از فرزندان روحانی بنی اسرائیل محسوب می‌شود و از این طریق، پیمان ابراهیمی نیز برای او محقق می‌شود. این تفسیر، پیمان را از یک چارچوب قومی و ملیتی فراتر برده و آن را به یک پدیده جهانی و فراگیر تبدیل می‌کند. این بازتفسیر، یک زنجیره علی-معلولی متفاوت را به نمایش می‌گذارد: تفسیر پولس از پیمان، با تأکید بر ایمان به جای شریعت و نسب، به شکل‌گیری مفهوم «فرزندان روحانی ابراهیم» منجر شد. این تفسیر پارادایم، به



فرید ناصر

فیلمساز و پژوهشگر سینما

«پیمان ابراهیم»؛ مفهومی که از یک روایت الهیاتی باستانی سرچشمه گرفته و تا دوران معاصر به‌عنوان ابزار کلیدی در دیپلماسی بین‌الملل مورد استفاده قرار گرفته است. چگونه یک اسطوره دینی یا داستان تاریخی می‌تواند از محدوده متون مقدس فراتر رفته و به نیروی محرکه‌ای تأثیرگذار در شکل‌دهی به هویت‌ها، منازعات و تحولات ژئوپلیتیکی جهان تبدیل شود؟ برای پاسخ به این پرسش، ضروری است تا میان پیمان ابراهیم به‌عنوان یک روایت مذهبی در ادیان توحیدی و ائتلاف ابراهیم به‌عنوان یک رویداد سیاسی مدرن، تمایز قائل شویم. این دو مفهوم، با وجود فاصله زمانی هزاران ساله، در یکدیگر پیوند خورده و از طریق بازتولید ایدئولوژیک، به یک ابزار مشترک برای مشروعیت‌بخشی و پیشبرد اهداف معاصر بدل شده‌اند.

▼ مبانی الهیاتی و روایی پیمان ابراهیم

پیمان ابراهیم در هر سه دین ابراهیمی، یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام، به‌عنوان یک نقطه عطف الهیاتی شناخته می‌شود، اما در روایت‌ها، شرایط و کارکردهای آن تفاوت‌های بنیادینی وجود دارد که پیامدهای تاریخی و ایدئولوژیک مهمی داشته است.

۱. پیمان ابراهیم در یهودیت و عهد عتیق

در متون عهد عتیق، به‌ویژه در «سفر پیدایش»، پیمانی که خداوند با «ابرام» منعقد می‌کند، مرکز ثقل اندیشه دینی و قومی یهود است. این پیمان شامل دو وعده اساسی و مرتبط به هم است:

وعده نسل فراوان: خداوند بر ابرام ۹۹ساله ظاهر می‌شود و با تغییر نام او به «ابراهیم» (به‌معنای پدر امت‌های بسیار) وعده می‌دهد که او را بسیار کثیر گردانیده و امت‌ها و پادشاهان از او پدید خواهند آمد. این وعده، پایه‌ای برای مداوم نسل‌های آینده و سرنوشت آن‌ها فراهم می‌آورد.

وعده سرزمین: نکته کلیدی این پیمان، وعده اعطای تمام زمین کنعان به ابراهیم و فرزندان او به ملکیت ابدی است. این وعده، در بخش‌های دیگر عهد عتیق، محدوده جغرافیایی وسیع‌تری را از نهر مصر تا به نهر عظیم یعنی نهر فرات ترسیم می‌کند.

▼ نفوذ عمیق پیمان

ابراهیم در فرهنگ، از طریق بازتولید مداوم
آن در رسانه‌ها و هنر
مشهود است. سینما با ساخت فیلم‌هایی، این داستان‌ها را به شکلی بصری و تأثیرگذار به مخاطبان جدید منتقل می‌کند. این بازتولید، روایت را در ذهنیت جمعی تثبیت کرده و به آن یک حیات جدید می‌بخشد.

علاوه بر این، داستان ابراهیم به عنوان یک کهن‌الگو در ضمیر ناخودآگاه جمعی عمل می‌کند